



زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید. انجیل یوحنا ۱: ۱۷



در عهد عتیق و به خصوص در کتاب تورات، با احکام و قوانینی مواجه می‌شویم که خداوند از طریق موسی به قوم اسرائیل ارائه کرده است. زمانی که کتاب تورات را مطالعه می‌کنیم بی‌شک این سوال در ذهنمان به وجود می‌آید که هدف خداوند از ارائه چنین قوانین سنگین و سختی چه بوده است؟

هنگامی که به طور کلی قوانین شریعت را مورد بررسی قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که هدف خداوند از ارائه شریعت، شناساندن گناه به انسان بوده است. خداوند با بیان قوانین و باید‌ها و نبایدها، جایگاه خود را از نظر قدوسیت و عاری بودنش از گناه به قوم اسرائیل نشان می‌دهد. او از قوم می‌خواهد تا با انجام احکام شریعت، خود را به خداوند نزدیک و شبیه سازند. عدم توانایی انسان برای انجام کامل احکام شریعت باعث شد که نافرمانی از خداوند افزوده گردد و در پی آن گناه افزایش یابد. زمانی که با تعمق بیشتری به شریعت می‌نگریم متوجه موضوع بسیار مهمی می‌شویم؛ شریعت داده شد تا ما بدانیم که برای پرداخت کفاره گناهانمان و آمرزش آنها، باید خونی ریخته شود. خداوند شریعت را به قوم خود داد تا از این طریق به همه انسان‌ها بفهماند که گناهانشان در مقابل خداوند نامحدود است و برای بخشش گناهان نامحدودشان نیز به خون یا قربانی نامحدود نیاز دارند.

خداوند قبل از آنکه شریعت را به واسطه موسی اعلان نماید و حتی پیش از بنیاد عالم می‌دانست که این قوانین سبب می‌شود تا بار گناهان انسان زیاد گردد اما با این وجود او خواست و اراده خود را با بیان شریعت به انجام رسانید. او می‌دانست که نه تنها انسان توانایی اطاعت کامل از قوانین شریعت را ندارد بلکه خود شریعت هم هیچگاه انسان را در مقابل خداوند عادل نمی‌سازد. هدف و نقشه خداوند از ارائه دادن شریعت، مبرهن ساختن ناتوانی انسان برای به عمل آوردن آن قواعد بود تا در پی آن فیض خود را نمایان سازد.

برخی از معلمان کتاب مقدس تعلیم می‌دهند که «وجود شریعت و ناتوانی انسان برای به انجام رساندن آن، باعث شد خشم خداوند در عهد قدیم به فرونی دیده شود». این گروه، عهد قدیم را عهد خشم و غضب خداوند می‌خوانند. آنها همچنین عهد جدید را به خاطر نبودن شریعت

موسی و نمایان شدن اراده خداوند برای چگونگی پرداخت شدن کفاره گناهان انسان توسط عیسی مسیح، عهد فیض و شفقت خداوند می‌نامند.

هنگامی که این دو عهد و اعمال خداوند در آن دو را کنار هم قرار دهیم درمی‌یابیم که خداوند در عهد قدیم، هم خشم خود را از به انجام نرساندن شریعت به مخاطبان خود نمایان می‌سازد و هم فیض خود را به خداترسان نشان داده است. قوم اسرائیل پس از رهایی از مصر با وجود اینکه معجزات بسیاری را از خداوند دیده بودند و شریعت مکتوب خداوند هم در مقابلشان قرار داشت بارها مرتکب گناه شدند. خداوند آنها را تنبیه می‌کند اما از روی فیض خود آنچه در مورد سرزمین موعود بدیشان وعده داده بود را به انجام می‌رساند. این نمونه کوچکی از وجود غضب خداوند در مقابل گناه و فیض او برای خداترسان در عهد قدیم است. همچنین در عهد جدید، هنگامی که به کتاب اعمال فصل ۵ نگاهی می‌اندازیم متوجه وجود غضب خداوند نسبت به فریبکاری حنania و سفیره می‌شویم و بلافاصله در فصل ۹ همین کتاب، فیض خداوند نسبت به پولس که یکی از بزرگترین جفاکنندگان به کلیسا بود را شاهد هستیم. خداوند تغییر ناپذیر است و این بخشی از صفات الهی او است. او در عهد قدیم غضب خود را به آنانی که از شریعت پیروی نکردند نشان داده است و در عهد جدید خشم خود را به آنانی که یگانه فرزندش را نپذیرند نمایان خواهد ساخت و در مقابل، به واسطه فیض خود آنانی که در عهد قدیم به او ایمان داشتند را نجات بخشیده است و در عهد جدید نیز آنانی که به عیسی مسیح ایمان آورند را نجات خواهد داد.

عیسی مسیح نمایانگر فیض خداوند است. او خداوند نامحدود است و بنابراین هر آنچه به انجام برساند نیز نامحدود خواهد بود. او به واسطه ریختن خون خود بر روی صلیب، کفاره گناهان انسان را به صورت نامحدود پرداخت کرد. انسان تنها با ایمان به یگانه فرزند خداوند یعنی عیسی مسیح، می‌تواند از زیر غضب و قضاوت خداوند رهایی یابد. نجات هرگز بر اساس اعمال و انجام شریعت نبوده است بلکه فقط و فقط بر اساس ایمان به انجام می‌رسد.

ای خداوند قدوس تو را بابت فیض عظیمی که به واسطه یگانه فرزندت نمایان ساختی شکر می‌کنیم. ایمان داریم که تنها به واسطه خون گرم عیسی مسیح می‌توانیم در مقابل تخت پرفیضت حاضر شویم و تو ایمانمان را برای ما عدالت محسوب خواهی کرد... آمین!

